

سیره امام جواد (ع) از منظر قرآن کریم

با توجه به این که ائمه معصومین (ع) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق عملی مؤمنین می باشند و قرآن کریم نیز به عنوان بزرگترین پشتوانه ایشان است...



با توجه به این که ائمه معصومین (ع) حجت خدای تعالی و اسوه و سرمشق عملی مؤمنین می باشند و قرآن کریم نیز به عنوان بزرگترین پشتوانه ایشان است لذا آشنایی و عمل به سیره اهل بیت عصمت و طهارت (ع) تأثیر به سزایی بر شخصیت و رفتار انسانها دارد. میان سیره عملی امام جواد (ع) به عنوان اسوه و الگوی قرآنی، با مکتب قرآن کریم، پیوستگی، انطباق و ارتباط عمیق و ریشه داری وجود دارد

حضرت امام جواد (ع) نیز بسان قرآن کریم که برای همه انسان ها پر برکت است، مولودی پر برکت در عالم تشیع معرفی شده است.

شیوه های رفتاری و شخصیت قرآنی امام جواد (ع) در این قسمت با استناد به آیات قرآن کریم، ضمن مطالعه سیره امام جواد (ع)، به برخی از شیوه های عملی حضرت امام جواد (ع) که منطبق بر شیوه های قرآنی است، اشاره خواهد شد.

عفو و گذشت:

یکی از فضایل اخلاقی، عفو و گذشت از حقوق خود است؛ زیرا عفو از مصادیق احسان است. و در اخلاق بر احسان به دیگری تأکید بسیار شده و آموزه های قرآنی و روایی نیز بر این خصوصیت اخلاقی تشویق و ترغیب کرده است. بنابراین عفو پسندیده، عفوی است که فرد با قدرت بر انتقام، از خطای شخصی که به او ستم کرده بگذرد. چنانکه خداوند متعال در قرآن کریم چنین می فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (الأعراف، 199/7)؛ «به هر حال با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما، و از جاهلان روی بگردان [و با آنان ستیزه مکن].»

حضرت امام جواد (ع) با تأسی از روش و سلوک قرآنی، با عفو و گذشت در برخورد با دشمنان و مخالفان در زندگی موجب عزت و سر بلندی خود و به تبع آن، مجد و عظمت و پیروزی دین مبین اسلام را فراهم نموده است. برای تبیین این وجه از شخصیت حضرت به گوشه ای از سیره ایشان می پردازیم.

إن المعتصم دعا جماعة من و زرائه فقال اشهدوا لی علی محمد بن علی بن موسی زورا و اکتبوا أنه أراد أن یخرج! ثم دعاه فقال: إنک أردت أن تخرج علی؟ فقال: «و الله ما فعلت شیئا من ذلک.» قال: إن فلاناً و فلانا شهدوا علیک فأحضروا فقالوا: نعم، هذه الکتب أخذناها من بعض غلمانک. قال: و کان جالسا فی بهو. فرجع أبو جعفر (ع) یده و قال: «اللهم إن کانوا کذبوا علی فخذهم.» قال: فنظرنا إلی ذلک البهو کیف یرجف و یدهب و یجیء و کلما قام واحد وقع! فقال المعتصم: یأبن رسول الله إنی تائب مما قلت، فادع ربک أن یسک نه. فقال: «اللهم سکنه إنک تعلم أنهم أعداؤک و أعدائی فسکن»؛

معتصم گروهی از وزیران خود را خواست به آنها دستور داد به دروغ گواهی دهند که محمد بن علی بن موسی (ع) تصمیم به خروج و قیام دارد. بعد حضرت جواد (ع) را خواست و گفت تصمیم داری در دولت من قیام کنی؟ فرمود: «به خدا قسم چنین تصمیمی ندارم.» معتصم گفت: فلان کس و فلانی بر کار تو شهادت می دهند، آنها را حاضر کردند. گفتند صحیح است ما این نامه ها را از بعضی غلامان تو به دست آورده ایم. حضرت جواد در اطاق جلو بود دست های خود را بلند کرده گفت: «خدایا اینها را بگیر اگر دروغ می گویند.» یک مرتبه دیدم اطاق جلو چنان به حرکت در آمد به گونه ای که می رود و می آید. هر کدام از ایشان که تصمیم به حرکت کردن می گیرد، به زمین می افتند. معتصم صدا زد یابن رسول الله من از حرف خود توبه می کنم از خدا بخواه که اطاق از حرکت بایستد. حضرت نیز دعا نمودند که: «خدایا اطاق را آرام فرما تو میدانی ایشان دشمن تو و من می باشند.» و اطاق آرام گرفت. [1]

مسئولیت پذیری در کودکی:

منشأ ایجاد مسئولیت به طور ریشه ای و عمیق از باور حضور خداوند و اعتقاد به معاد و آخرت سرچشمه می گیرد. مسئولیت پذیری دارای ساحت های مختلفی است؛ و پذیرش مسئولیت الهی در سطح اجتماعی در سنین کودکی بر

اساس آیات قرآنی در مورد انبیای الهی مورد تأیید قرار گرفته است. به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن کریم در مورد حضرت یحیی (ع) چنین می فرماید یا یحییٰ خذِ الْكِتَابَ يَقُوِّ وَ آتَيْنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا (مریم، 12/19)؛ «ای یحیی! ک تاب [خدا] را با قوت بگیر! و ما فرمان نبوت [و عقل کافی] در کودکی به او دادیم.»! و از این روست که مسئولیت پذیری حضرت امام جواد (ع) در سنین کودکی یکی از مصادیق مباحث شیعه به شخصیت قرآنی و شباهت های ایشان به انبیای الهی همچون حضرت یحیی (ع) و حضرت عیسی (ع) است.

دعوت به خیر جمعی:

انجام هر نیکی از اقسام خیر به شمار می آید. افراد در جامعه انسانی و ایمانی باید در انجام کار نیک و پرهیز از رذایل و بدی ها به یکدیگر کمک کنند. دعوت به خیر جمعی راهکاری شایسته برای حفظ جامعه از تشتت و ایجاد وحدت اجتماعی و تبدیل آن به گفتمان عمومی جامعه است. از این روست که دعوت به خیر جمعی برای اخلاقی نمودن جامعه امری ضروری است و برای دستیابی به این مهم تعاون و همکاری برای انجام خوبی ها از اصول مهم حاکم بر جامعه می باشد. خداوند متعال در تعبیری این دعوت به انجام نیکی ها را مدنظر داشته و می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» (آل عمران، 104/3)؛ «باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی کنند». بنابراین این دعوت به انجام خیر در سیره و شخصیت حضرت امام جواد (ع) و در حمایت از مردم و رفع گرفتاری های آنان نمایان است.

احمد بن زکریا صیدلانی از شخصی اهل سیستان که از بنی حنیفه به شمار می رفت، نقل کرد که آن مرد گفت من با حضرت جواد (ع) در آن سالی که به حج رفته بود، همسفر بودم. اول خلافت معتصم سر سفره نشستند بودیم گروهی نیز از مأمورین سلطان هم بودند. عرض کردم آقا فدایت شوم فرماندار شهر ما ارادتمند به شما خاندان است، من در دفتر مالیاتی او مقداری مقروضم اگر صلاح بدانی نامه های بنویسی که به من کمک کند. فرمود: «او را نمی شناسم.» عرض کردم همان طوری که توضیح دادم او از ارادتمندان به شما خاندان است نامه شما برای من سودمند است. حضرت (ع) کاغذی به دست گرفته چنین نوشت: «بسم الله الرحمن الرحيم آوردنده نامه من نقل کرد که شما دارای مذهبی پسندیده هستی، بدان آنقدر از این مأموریت برای تو بهره خواهد بود که به مردم نیکی کنی، نسبت به برادران خود نیکوکار باش، بدان که خدای عزیز از تو باز خواست خواهد کرد حتی از یک ذره کوچک و دانه سپنجی.»

راوی می گوید وقتی وارد سیستان شدم حسین بن عبد الله نیشابوری والی و فرماندار قبلا از جریان نامه اطلاع حاصل کرده بود دو فرسخ به استقبال من آمد نامه را به او دادم بوسید و روی چشم گذاشت و گفت چه حاجت داری. گفتم یک مالیاتی دارم که در دفتر تو مبلغ آن یادداشت شده دستور داد آن را از بین ببرند و گفت تا وقتی من فرماندار باشم مالیات از تو نخواهم گرفت بعد پرسید زن و فرزند چه داری، تعداد آنها را گفتم، مقداری که مخارج من و آنها را تأمین می نمود به اضافه مبالغ دیگری به من بخشید تا وقتی او زنده بود از من خراج نگرفت و از لطف و عنایت و بخشش او بی بهره نبودم، تا از دنیا رفت. [2]

قرین قرآن: خداوند متعال ضمن معرفی شخصیت و هویت قرآن و توصیف آن به مبارک بودن چنین می فرماید: «وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ» (الأنبياء، 21/50)؛ «و این [قرآن] ذکر مبارکی است که [بر شما] نازل کردیم؛ آیا شما آن را انکار می کنید؟» قرآن ذکری است ثابت و دائم و کثیر البرکات، هم مؤمن از آن بهره مند می شود و هم آسایش کافر را در جامعه بشری تأمین نموده است، و خلاصه همه اهل دنیا از آن منتفع می گردند، چه آن را قبول داشته باشند و چه نداشته باشند چه به حقانیت آن اقرار داشته باشند و چه منکر آن باشند. [3]

حضرت امام جواد (ع) نیز بسان قرآن کریم که برای همه انسان ها پر برکت است، مولودی پر برکت در عالم تشیع معرفی شده است. از ابی یحیی صنعانی روایت شده است که: کنت عند أبي الحسن (ع) فجئني بإبنة أبي جعفر (ع) و هو صغير فقال: «هذا المولود الذي لم يولد مولود أعظم على شيعتنا بركة منه»؛ خدمت حضرت رضا (ع) بودم پس فرزندش ابی جعفر (ع) را که کودکی خردسال بود نزد او آوردند، فرمود: «این است آن مولودی که پر برکت تر از او برای شیعیان ما فرزندی زائیده نشده است.» [4]

شاگرد پروری:

مانایی و گسترش دین مبین اسلام در گرو توجه و اهتمام به روش های گوناگون است. گاهی این موضوع با جهاد و گاهی با فراگیری دین اتفاق می افتد به گونه ای که در قرآن کریم به این مهم اشاره شده است و خداوند متعال در این باره می فرماید وَ مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْزِلُوا كَآفَّةً قُلُوا لَا تَعْرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبة، 122/9)؛ «شایسته نیست مؤمنان همگی [به سوی میدان جهاد] کوچ کنند؛ چرا از هر گروهی از آنان، طایفه ای کوچ نمی کند؟ [و طایفه ای در مدینه بماند]، تا در دین [و معارف و احکام اسلام] آگاهی یابند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود، آنها را بیم دهند؟! شاید [از مخالفت فرمان پروردگار] بترسند، و خودداری

کنند.»!

بنابراین یکی از مهمترین اقدامات فرهنگی حضرت امام جواد (ع) در راستای توجه به مقتضیات زمان و با تمسک به آموزه های هدایتگر قرآن کریم این بود که به تربیت شاگردان و یارانی که در منابع نام 113 نفر از آنان مانند: أبوهاشم داود بن قاسم جعفری، نوح بن شعیب بغدادی، علی بن مهزیار اهوازی، ریان بن شیب و... آمده است، همت گمارده است.

پی نوشت :

[1] بحار الأنوار / 45.

[2] همان / 86.

[3] المیزان، 14 / 296.

[4] الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، 279/2؛ الکافی، 321/1؛ إعلام الوری بأعلام الهدی/347؛ روضة الواعظین 1 / 327؛ مسند الإمام الرضا(ع)، 210/1.

منبع: بینات ، پاییز 1395، شماره 91، معصومه السادات حسینی میرصفی

راسخون